

درس ۱

«بدأ إخواني المزارعون يحصدون الزرع بآلة ذات يد من الخشب و سنّ عريضة من الحديد!»: تجرّبی ۱۴۰۰

- ۱) برادران کشاورزم با وسیله ای که دارای دسته ای چوبی و دندانه‌های پهن از آهن است، شروع کردند کشت را درو کنند!
 - ۲) برادرانم که کشاورز هستند زراعت را با وسیله ای که دسته اش چوبی و دندانه های پهنش آهنی است درو می کنند!
 - ۳) برادرانم که کشاورزند درو کردن زراعت را با وسیله ای که دسته ای چوبی داشت و دندانه های پهنش از آهن بود شروع نمودند!
 - ۴) برادران کشاورزم با وسیله ای که دارای دسته ای چوبی و دندانه هائی پهن از جنس آهن بود، شروع به درو کردن کشت نمودند!
- «هناك لا إنسان بدون خطأ، ولكنّه يفشل عندما يعد نفسه عالماً يعرف كل شيء!»: زبان ۹۹

- ۱) هیچ انسانی نیست که خطا نکند، ولی هنگامی که خود را دانای همه چیز به شمار آورد، شکست خواهد خورد!
 - ۲) انسان بدون اشتباه، هیچگاه وجود ندارد، اما او می‌بازد هرگاه خود را دانایی فرض کند که هرچیزی را می‌دانسته است!
 - ۳) هیچ انسانی بدون خطا وجود ندارد، ولی زمانی که خودش را عالمی به‌شمار آورد که همه چیز را می‌داند، شکست می‌خورد!
 - ۴) انسان هیچگاه بدون اشتباه نیست، اما زمانی می‌بازد که نفس خود را عالمی به حساب آورد که بر هرچیزی آگاه است!
- ﴿ يَقُولُ الْكَافِرُ يَا لَيْتَنِي كُنْتُ تُرَابًا ﴾: انسانی خارج ۹۹

- ۱) کافر می‌گوید کاش از خاک بودم!
- ۲) کافری گفت: کاش خاک بودی!
- ۳) کافر گوید: ای آرزوی من کاش تو از خاک بودی!
- ۴) کافر می‌گوید ای کاش خاک بودم!

» من ابتعد عن الأميال النفسانية شاباً وأقبل على العلوم النافعة، فلعلّ قلبه يُملاً إيماناً!»: هنر ۹۸

- ۱) هر کس از تمایلات نفسانی جوانی دور شود و به علوم سودمند روی کند، شاید قلبش از ایمان پر بشود!
 - ۲) اگر کسی در جوانی، از خواهش‌های نفسانی دوری کند و به علوم سودمندی روی بیاورد، شاید قلب خود را از ایمان پر بکند!
 - ۳) کسی که در جوانی، از خواهش های نفسانی دور شده به علوم سودمند روی بیاورد، امید آن است که قلب او از ایمان پر شود!
 - ۴) هر کسی که از امیال نفسانی جوانی دوری کرده به علوم سودمند روی کند، امید است که قلب خویش را از ایمان پر کند!
- «ما يزيد صبرنا في أمور لا طاقة لنا بها، هو الإيمان بالله!»: انسانی ۹۸

۱) آنچه صبر ما را در اموری که هیچ توانی برای آنها نداریم، می‌افزاید، همان ایمان به الله است!

۲) صبر ما در کارهایی که طاقتش در ما نیست، زیاد نمی‌شود، بلکه آن در ایمان به الله است!

۳) صبر در کارهایی که توان آنها در ما نیست قدرت ما را زیاد نمی‌کند، بلکه آن ایمان به خداست!

۴) چیزی که صبر ما را می‌افزاید، اموری است که هیچ طاقت آن را نداریم که همان ایمان به خداست!

«لا شيء أحسن من النقوش و الرسوم و التماثيل ليُشجعنا إلى كشف الحضارات القديمة!»: هنر ۹۸

- ۱) هیچ چیزی بهتر از نقش‌ها و نقاشی‌ها و مجسمه ها نیست برای اینکه ما را به کشف تمدن‌های قدیم تشویق کند!
- ۲) چیزی بهتر از نقوش و رسم‌ها و تمثال‌ها وجود ندارد که ما را به یافتن تمدنهای قدیم ترغیب کرده باشد!
- ۳) هیچ چیزی نیست که بهتر از نقش‌ها و نقاشی‌ها و تندیس‌ها ما را به کشف تمدن‌های قدیم تشویق کند!

۴ (چیزی نیست که ما را به کشف تمدن‌های قدیم بهتر از نقوش و نقاشی‌ها و تمثال‌ها ترغیب کرده باشد!

- «أصببت الشُّعوبَ المختلفة في دينهم بالخرافات على مرِّ العصور، ولكنَّ الأنبياء بينوا لهم الدِّين الحقَّ!»: انسانی خارج ۹۸
- ۱) در گذر زمان دین ملت‌های مختلف به خرافه‌هایی آمیخته شد، اما پیامبران آنها دین حق را برایشان بیان کردند!
 - ۲) ملل مختلفی دین‌هایشان به خرافه‌هایی در طول زمانها آمیخته گردید، ولیکن بیان دین حق، توسط پیامبران بود!
 - ۳) با گذشت عصرها، ملت‌های مختلف در دین خود دچار خرافات شدند، اما پیامبران دین حق را برای آنها روشن کردند!
 - ۴) ملت‌های مختلفی در دین خود، با گذر زمان دچار خرافه گردیدند، ولی پیامبران دین حق را برایشان آشکار می‌کردند!

«ليت الطالب يعرفون أن الطالب المجتهد يقدر أن يعوض قلَّه استعداده بالاجتهاد!»: اختصاصی خارج ۹۸

- ۱) شاید دانشجویان بدانند که دانشجوی کوشا می‌تواند کم بودن استعدادش را با تلاش جبران نماید!
- ۲) ای کاش دانش‌آموزان بدانند که دانش‌آموز کوشا می‌تواند کمی استعدادش را با تلاش جبران کند!
- ۳) شاید دانش‌آموزان بفهمند که دانش‌آموز تلاشگر توانایی دارد که کم بودن استعداد را با تلاش جبران نماید!
- ۴) ای کاش دانشجویان می‌فهمیدند که دانشجوی تلاشگر توانمند است که کمی استعدادش را با تلاش جبران کند!

عین الصحیح: هنر ۱۴۰۰

- ۱) (لا مُجْتَمَعٌ يَتَقَدَّمُ أَكْثَرَ مِنْ تَقَدُّمِ الْمُعَلِّمِينَ فِيهِ: جامعه بیشتر از پیشرفت معلمان پیش می‌رود!
- ۲) (كان الأستاذ ألقى محاضرةً و الطلاب استمعوا إليه: استاد سخنرانی می‌کرد در حالی که دانشجویان به او گوش می‌دادند!
- ۳) (ليس صحيحاً أن أحداً يظنُّ أنهما التعب في هذه الدنيا له: درست نیست کسی گمان کند که سختی در این دنیا فقط برای اوست!
- ۴) (يذهب المتفرجون إلى الملعب و يجلسون على الكراسي كلها: تماشاچیان همگی به ورزشگاه می‌روند و بر صندلیها می‌نشینند!

عین الصحیح: ریاضی ۱۴۰۰

- ۱) (كان صديقي ألف كتاباً توجد فيه قصص مفيدة: دوستم کتابی تألیف کرد. در آن داستانهای مفیدی می‌یابی!
- ۲) (للاعبين المباراة وقت محدد يجب أداء أعمالهم فيه: بازیکنان مسابقه در وقت مشخص باید کارها را انجام دهند!
- ۳) (اللهم اجعلنا ممن يتوبون إليك فتقبلهم: خدایا ما را از کسانی قرار بده که به سوی تو توبه می‌کنند و آنها را می‌پذیری!
- ۴) (إن لم يتعاش الناس بعضهم بعضاً فلا سبيل لتقدم بلدهم: مردم باید با یکدیگر همزیستی مسامحت آمیز داشته باشند تا راهی برای پیشرفت کشورشان بیابند!

www.my-dars.ir

عین الصحیح: زبان ۹۹

- ۱) (إننا محتاجون إلى تجارب المتقاعدين لتقدمنا: ما به تجربهء بازنشستگان نیازمندیم تا پیشرفت کنیم!
- ۲) (إن كان المتفرجون في الملعب، يُشجع اللاعبون: اگر تماشاچیان در ورزشگاه باشند بازیکنان را تشویق می‌کنند!
- ۳) (قد تبدأ آلاف الصعوبات بعد لحظة إهمال: گاهی بعد از یک لحظه سهل‌انگاری هزاران مشکل شروع می‌شود!
- ۴) (من يتجسس في أعمال الآخرين فلا أمن و لا راحة له: کسی که در مورد دیگران جاسوسی کند امنیت و راحتی ندارد!

عین الصحیح (بالنظر إلى تأكيد الجملة): خارج ۹۸

- ۱) (إنَّ الفخر للإنسان الذي له عقلٌ ثابت: فخر برای انسانی است که بی‌گمان دارای عقلی ثابت است!
- ۲) (إنَّ وعاء العلم لا يضيِّق بكلِّ ما جعل فيه: بطور قطع ظرف علم با هر آنچه در آن قرار داده شود، تنگ نمی‌شود!

۳ (إن النَّاسَ يَمْرُونَ بِجِوَارِ الْأَشْجَارِ الَّتِي يَنْتَفِعُونَ بِهَا: مردم از کنار درختانی که از آنها سود می‌برند، قطعاً عبور می‌کنند!

۴ (إن غصون بعض الأشجار تنكسر من ثقل وزن ثمارها: شاخه‌های برخی درختان از سنگینی وزن میوه‌هایش بدون شک شکسته می‌شود!

عین الصحیح: ریاضی ۹۸

۱) ليتني رأيت جميع الكتب: کاش همه کتاب‌ها را ببینم!

۲) لعل الخیر قد نزل علينا: شاید خیر بر ما نازل شود!

۳) ليت الامتحان قد انتهى: کاش امتحان تمام شود!

۴) لعل الصبر ینقذنا: شاید پایداری نجاتمان دهد!

عین الخطأ: اختصاصی ۹۹

۱) اكره الجرم ولا تكره المجرم: جرم را زشت بدار و مجرم را ناپسند مشمار،

۲) لا بأس في أن تدرس القول ولكن احترم القائل: هیچ اشکالی نیست در اینکه گفتار را بررسی کنی ولی گوینده را احترام کن،

۳) عليك أن ترحم العاصي ولكن تسخطك المعصية: تو باید بر عصیانگر رحم کنی ولی از معصیت خشمگین می‌شوی،

۴) فإن مهمتك أن تتغلب على المرض لا على المريض!: زیرا مأموریت تو این است که بر بیماری غلبه کنی نه بر بیمار!

عین الخطأ: زبان ۹۸

۱) (إن نأخذ من أموالنا تنقص مرور الأيام: اگر از اموالمان برداشت کنیم به مرور زمان کم می‌شود،

۲) (ولكن عندما نُعطي الآخرين من علمنا و نُعلّمهم: ولی هنگامی که به دیگران از علممان می‌دهیم و به آنها آموزش می‌دهیم،

۳) (يكثر علمنا، لأن في التعليم تكرار الدرس لأنفسنا: علممان زیاد می‌شود، زیرا در آموزش دادن تکرار درس است برای خودمان،

۴) (فاعلم أحسن من المال لأنه لازوال له!: پس علم قطعاً از مال بهتر است و علم از بین نمی‌رود!

«پرنده ی باهوش تظاهر کرد که بالش شکسته است». عین الصحیح: تجربی ۱۴۰۰

۱) (تظاهر الطائر الذكي بأن جناحه مكسور.

۲) (يتظاهر الطائر الذكي بأنه مكسور الجناح.

۳) (تظاهر طائر ذكي أن الجناح له مكسور.

۴) (يتظاهر طائر ذكي أنه مكسور في الجناح.

مای درس
گروه آموزشی عصر

www.my-dars.ir

«کاش همه شهرهای کشورم را می‌دیدم!»: خارج ۹۸

۱) (لعلي أشاهد مدن بلادي جميعاً!

۲) (ليتني أنظر كل المدن في بلادي!

۳) (لعلي كنت أنظر مدن بلادي كلها!

۴) (ليتني كنت أشاهد جميع مدن بلادي!

عین الخطأ عن المفردات: هنر ۱۴۰۰

۱) (يزرع الفلاح مزرعته أكثر من مرة واحدة. (مترادف) ← مزارع، تارة

۲) (كان من الشعائر الخرافية تقديم القربان للإله. (جمع) ← أقرباء، آلهة

- ۳) لن نتعارف إلا أن نكون شعوباً و قبائل. (مفرد) ← شعب، قبيلة
 ۴) نحن نكره أن نساfer بسيارة معطلة. (متضاد) ← نحب، مصلحة

عین الصحیح: ریاضی ۹۹

- ۱) العُملاء: هم الَّذِينَ يعملون لراحة الناس!
 ۲) الحَنيف: هو الَّذي لا يَعبد إلا الله الواحد!
 ۳) البَحيرة: يدخل ماء الأنهار فيها و هي أكبر من البحر!
 ۴) يوم الخميس: اليوم السادس من الأسبوع و قبله يوم الجمعة!

عین «لا» لنفي الجنس: تجری ۱۴۰۰

- ۱) سَيأتي يومٌ لا ينفعنا مالٌ و بنون فعلينا أن نَجْمع الخيراتِ لأنفسنا لذلك اليوم!
 ۲) إن كنتَ معَ الله فلا تَحزن أبداً و لا تَضلَّ عن صراطه و لا تَفقد محبته!
 ۳) اصْطدمَ إطارُ سيارتي بشيءٍ حادٍّ فانفجرَ و لا إطار احتياطيَّ عندي!
 ۴) هل تنسى أن تذكر ذممة ربك؟ لا أنا لست من الغافلين!

عین ما يدلُّ على نفي الشيء نفيًا كاملاً: خارج ۹۹

- ۱) لا خيرَ في الكذب (۲) لا، أنتَ لا تكذب!
 ۳) لا شرَّ أريد و لا فتنة!
 ۴) لا الكذبُ أرغب فيه و لا الغيبة!

عین حرف «لا» يختلف في النوع و المعنى: انسانی خارج ۹۹

- ۱) إننا لا نُحبُّ أن نستمع إلى كلام ليس له فائدة!
 ۲) لا محاولة هناك دون نتيجة و سيرى الإنسانُ ثمرتها!
 ۳) لا يبتعد العباد المؤمنون عن الصراط المستقيم إن شاء الله!
 ۴) اليوم لا تطبخ أُمِّي طعاماً في البيت لأنها قد طبخته من قبل!

عین حرف المشبهه بالفعل يختلف (في المعنى): زبان ۹۹

- ۱) قد جاء في التاريخ أن إبراهيم (ع) أنقذ قومه من عبادة الأصنام!
 ۲) أيها الإنسان لاتحزن على ما فاتك، ان البأس يُعْديك من الله!
 ۳) أَيْظنُّ الإنسانُ أن الله يتركه سدى و وحيداً!
 ۴) إلهنا و ربنا نعلم أنك مع عبادك دائماً!

عین المناسب للفراغين من الحروف المشبهه بالفعل: «..... صديقي يستشير الأستاذ له يفيدته في الحياة!»: انسانی خارج ۹۹

- ۱) أن / لعل (۲) لكن / ليت (۳) ليت / لعل (۴) أن / لكن

عین الكلمة التي تكمل جملة ما قبلها: تجری ۹۸

- ۱) إن العلم أحسنُّ من المال،
 ۲) نعلم أن للعالم أصدقاء كثيرين،

۳ (ولکن لصاحب المال أعداء کثیرین،

۴) هذا هو الفرق بین العلم و المال!

عین ما لا نرجو وقوعه: زبان ۹۸

۱ (لعل الفوز حلیفک فی الدنیا!

۲) كأن الخیر ینزل علیک قریباً!

۳ (لیت النّجاح یتحقّق فی حیاتک!

۴ (یدعی أنّه کریم لکنّ الواقع لایؤیّد ذلك!

عین الصّحیح فی الجزء الّذی قد اُکّد: هنر ۹۸

۱) إنّ الله علی کلّ شیء قدير! (الله)

۲ (اِحْمِنِي مِنَ الْحَادِثَاتِ حِمَايَةً! (ضمیر الیاء)

۳ (حدّرتنی تجارب الحیاة تحذیراً! (تجارب الحیاة)

۴ (إنّ العلم یرفع الإنسان و یرکمه! (الجملة بأجمعها)

عین مضارعاً لیس معادلاً للالتزامی الفارسی: ریاضی ۹۸

۱ (أمرنا بأن لا نغضب، ولکننا نغضب، و هذا الأمر شائع بیننا!

۲ (لعلّ الإنسان یعرف الحضارات من خلال الکتابات و التماثیل!

۳ (كأنّ هذا الجبل أعلى من بقیة الجبال، لیتنی أضعد إلى رأسه!

۴ (لیتنا نقرأ آراء عدّة کتّاب حول هذا الموضوع لنأخذ نتیجة صحیحة!

عین الصّحیح عن «لا» النافیة للجنس: اختصاصی خارج ۹۸

۱) لا الیوم کیوم البعث، لا نعلم أسرارہ!

۲) لا فقراً أسوأ من الجهل، یفنی عمرنا!

۳ (لا فصلٌ كالربیع، الأشجار فیہ نضرة!

۴) لا قدرة أقوى من العقل لحلّ مشاكلنا!

www.my-dars.ir

عین الصّحیح عن «لا» النافیة للجنس: ریاضی ۹۸

۱ (لا حیاة و عفاف و أدبٌ إلاّ لعقلٍ ثابت!

۲ (لا العزّة إلاّ لربّنا الرحیم الّذی له کلّ شیء!

۳ (لا أتذکر زمانَ ذهابنا إلى تلك الجولة العلمیة!

۴ (لا شعبٌ من شعوب العالم إلاّ و له طریقته للعبادة!

مای درس

گروه آموزشی عصر

درس ۲

«مَنْ يَرَى النَّاسَ صِغَارًا، كَأَلْذِي هُوَ واقف على قَمَّةِ الجبل، يراه النَّاسُ صَغِيرًا أَيْضًا»: ریاضی ۱۴۰۰

- ۱) آنکه مردم در نظرش کوچکند، مثل کسی است که بر قله ای از کوه ایستاده، او هم در نظر مردم کوچک می نماید!
- ۲) هرکس مردم را کوچک دید، همچون کسی است که بر قله ای در کوه ایستاده، مردم هم او را کوچک می بینند!
- ۳) کسی که مردم را کوچک می بیند، چون کسی است که بر قله کوه ایستاده، مردم نیز او را کوچک می بینند!
- ۴) هرآنکه مردم را کوچک انگاشت، همان کس است که روی قله کوه ایستاده، مردم هم او را کوچک می انگارند!

«إِنَّ الْجَهْلَ يُسَبِّبُ أَنْ نَجِدَ طَرِيقًا لِقَضَاءِ حَيَاتِنَا تَتَجَلَّى لَنَا سَهْلَةً، وَلَكِنَّهَا تَنْتَهِي إِلَى الْخَسَارَةِ»: انسانی ۱۴۰۰

- ۱) این نادانی سبب یافتن راههای سهل الوصول برای گذران زندگی می شود، لکن به خسارت پایان می یابد!
- ۲) نادانی قطعاً مسبب آن است که راههای گذران زندگی به شکل ساده در نظرمان جلوه گر شود، اما به خسارت بیانجامد!
- ۳) نادانی باعث می شود برای گذران زندگیمان راههایی را بیابیم که برایمان آسان جلوه می کند، ولیکن به خسارت منتهی می شود!
- ۴) قطعاً نادانی است که سبب می شود راههایی را که برای ما آسان جلوه کرده برای گذران زندگیمان بیابیم، ولی آن راهها به خسارت منجر می شود!

«لَا يَحْزَنُنِي قَوْلُ الَّذِينَ يَنْكَلِمُونَ عَنِّي جاهلین، و أَنَا أَعْلَمُ جَهْلَهُمْ»: انسانی ۱۴۰۰

- ۱) قول کسانی که از جهل من سخن می گویند و من جهالتشان را می دانم، نباید مرا ناراحت کند!
- ۲) سخن آنان که در مورد من حرف می زنند در حالیکه جاهلند و من به جهلشان آگاهم، ابداً ناراحت نمی کند!
- ۳) هیچگاه سخن کسانی که درباره جهل من حرف می زنند حال آنکه من جهالتشان را می دانم، ناراحت نمی کند!
- ۴) نباید گفتار کسانی که در مورد من جاهلانه سخن می گویند مرا ناراحت کند، در حالیکه من آگاه به جهلشان هستم!

«دعا الشرطي جماعة المشاغبين إلى التزام الصمت و هو ما كان قد فُكِّرَ كيف يطلب منهم أن يقوموا بذلك!»: پلیس گروه خارج ۱۴۰۰

- ۱) شلوغ کار را فرا خواند و آنها را به پایبندی به سکوت ملزم کرد، و به چگونگی عمل کردن آنها فکر نکرده بود!
- ۲) آشوبگر را به پایبندی به سکوت دعوت کرد، در حالی که فکر نکرده بود چگونه از آنها بخواهد بدان عمل کنند!
- ۳) پر سر و صدا را به ایجاد سکوت فراخواند. اما فکر نمی کرد که آنها چگونه باید به آن عمل کنند!
- ۴) پرهیاهو را به رعایت سکوت دعوت کرد، ولی به اینکه چگونه باید سکوت کنند اصلاً فکر نمی کرد!

«لَا أَدْرِي مَا هُوَ نَسِيجُ زَعَانِفِ الْأَسْمَاكِ، وَلَكِنِّي أَعْلَمُ أَنَّهَا تُسَاعِدُ بَعْضَ الْأَسْمَاكِ عَلَى الْحَرَكَةِ وَ بَعْضَهَا عَلَى الطَّيْرَانِ»: اختصاصی خارج ۱۴۰۰

- ۱) نمی دانم بافت باله ماهیان از چیست، اما می دانستم بعضی ماهی ها را در حرکت و بعضی را در پرواز کردن کمک می کند!
- ۲) نمی دانم چه چیزی در بافت باله ماهیها هست، ولی می دانم در حرکت بعضی ماهیها و پرواز بعضی دیگر از آنها یاری می رساند!
- ۳) نمی دانم بافت باله های ماهیان چیست، ولی می دانم که بعضی ماهی ها را در حرکت کردن و بعضی را در پرواز کردن کمک می کند!
- ۴) نمی دانم در بافت باله های ماهیها چه چیزی هست اما می دانستم که در حرکت کردن بعضی از ماهیها و پرواز کردن بعضی دیگر یاری می رساند!

« نستهلک الأسمدة الكيماویة بکثرة و نحن نعلم أن استخدامها الكثير يؤدي إلى الاختلال في نظام الطبيعة!»: اختصاصی خارج ۱۴۰۰

- ۱) ما از کودهای شیمیایی زیاد استفاده می کنیم حال آنکه میفهمیم که کاربرد زیادشان اخلاقی در نظام طبیعت بوجود می آورد!
- ۲) ما کودهای شیمیایی را زیاد مصرف می کنیم در حالی که می دانیم که بکار بردن زیادشان به اختلال در نظام طبیعت منجر می شود!
- ۳) ما کودهای شیمیایی زیادی مصرف می کنیم با اینکه می دانیم که بکار بردن زیادشان اختلال در نظام طبیعت را بوجود می آورد!
- ۴) ما از کودهای شیمیایی زیاد استفاده می کنیم با وجود اینکه فهمیده ایم که زیاد بکار بردنشان منجر به اختلال در نظام طبیعت می شود!

« بعضُ الطيور عندما تشعر بالخطر حوّلها تلجأ إلى الحيل التي تُنقذ حياتها من الموت»: اختصاصی خارج ۱۴۰۰

- ۱) عده ای از پرندگان هنگام احساس خطر، به چاره ای می اندیشند که زندگی شان را از مرگ نجات دهد!
- ۲) زمانی که تعدادی از پرندگان خطر را احساس کردند. به چاره‌هایی پناه آوردند تا زندگی‌شان از مرگ نجات یابد!
- ۳) هرگاه برخی پرندگان پیرامون خود احساس خطر کنند چاره اندیشی می کنند تا زندگی خود را از مرگ نجات دهند!
- ۴) برخی پرندگان هنگامیکه در اطراف خود احساس خطر می‌کنند به چاره اندیشی‌هایی که زندگی آنها را از مرگ نجات می‌دهد متوسل می‌شوند!

«إذا نَعِبَ عَمَلٌ أَحَدٍ نُمَّ نَفَهْمُ أَنَّا كُنَّا مَخْطِئِينَ يَجِبُ عَلَيْنَا أَنْ نَعْتَذِرَ مِنْهُ مُعْتَرِفِينَ بِذَلِكَ، وَ هَذَا دَلِيلٌ عَلَى شَجَاعَتِنَا!»: ریاضی ۹۹

- ۱) آنگاه که عیب کار کسی را بگیریم و بفهمیم که خودمان خطاکار بودیم، باید اعتراف کرده عذرخواهی کنیم که این دلیل بر شجاعتمان است!
- ۲) وقتی از کار فردی عیب می‌گیریم سپس می‌فهمیم که خطا کرده بودیم، باید ضمن اعتراف به آن، از او معذرت‌خواهی کنیم، و این دلیلی بر شجاعت ماست!

۳) اگر عمل کسی را عیب بدانیم آنگاه بفهمیم که خطا کرده‌ایم، بر ما واجب است معذرت‌خواهی کرده اعتراف کنیم، که این دلیلی بر شجاعت ما می‌باشد!

۴) هرگاه از عمل کسی عیب‌جویی کنیم آنگاه بفهمیم که ما خطاکاریم، حتماً باید به‌خاطر آن عذرخواهی کنیم در حالی‌که به آن اعتراف‌کننده‌ایم، و این دلیلی بر شجاعتمان خواهد بود!

«كُلُّ النَّاسِ سِوَاءٌ وَ مَا هُمْ سِوَى لَحْمٍ وَ عِظْمٍ وَ عَصَبٍ لَئْمٌ وَ لَأْبٌ، وَ الْجَهَّالُ يَفْتَخِرُونَ بِنَسَبِهِمْ!»: اختصاصی ۹۸

- ۱) همه مردم برابرند و جز گوشت و استخوان و پی از یک پدر و مادر نیستند، در حالی که نادانان به نسب خود افتخار می‌کنند!
- ۲) همه مردم با هم برابرند و چیزی جز گوشت و استخوان و پی از پدر و مادرشان نیستند، حال آنکه نادان مفتخر به نژاد خود است!
- ۳) مردم همگی با هم برابرند و جز گوشت و استخوان و عصبی از پدر و مادرشان نیستند، اما نادان به نسب خود فخر می‌فروشد!
- ۴) مردم همگی یکی هستند از گوشت و استخوان و عصب و از یک پدر و مادر، اما نادانان به نژاد خود افتخار می‌کنند!

« فهِمْتُ لِمَاذَا هَجَرَنِي أَحَبَّتِي وَ فَرَحُوا عِدَائِي، وَ أَنَا كُنْتُ أَحَبَّهُمْ دَائِمًا وَ أَرْجُوهُمْ فِي حَيَاتِي!»: اختصاصی خارج ۹۹

- ۱) نفهمیدم چرا دوستانم از من جدا شدند و دشمنانم را شاد کردند، در حالیکه من همیشه آنها را دوست می‌داشتم و در زندگیم به آنها امیدوار می‌بودم!
- ۲) چیزی که نفهمیدم این است که چرا دوستانم رهاییم کردند و دشمنانم شاد شدند، حال آنکه همیشه دوستشان می‌دارم و در زندگی به آنها امیدوارم!
- ۳) آنچه نفهمیدم این بود که چرا دوستانم از من جدا شده دشمنانم را شاد کردند، و من دائماً آنها را دوست داشتم و به آنها در زندگی امید دارم!
- ۴) نمی‌فهمم چطور دوستانم از من جدا شدند و دشمنانم را شاد کردند، وقتی که همیشه دوستشان داشتم و در زندگیم به آنها امید داشتم!

«لهذه المحافظة عددٌ كثير من المصانع، كما لها صناعات تُصنع بيد الإنسان و قد كانت معروفة منذ القديم!»: زبان ۹۸

- ۱) این استان تعداد بسیاری کارخانه دارد، همانطور که دارای صنایعی است که به‌دست انسان ساخته می‌شود و از قدیم معروف بوده است!
- ۲) این استان دارای تعدادی زیاد کارخانه است، همانطور که صنایعی دارد که با دست انسان ساخته شده است و از قدیم شناخته شده بود!
- ۳) تعداد بسیاری کارخانه برای این استان است همانگونه که دارای صنعت‌هایی است که به‌دست انسان ساخته شده و از زمان‌های گذشته معروف شده‌بود!

۴) برای این استان تعدادی بسیار کارخانه است همانگونه که برای آن صنعت‌هایی است که با دست انسان ساخته می‌شد و از گذشته معروف بوده است!

«كَانَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِيِّنَ مُبَشِّرِينَ...»: مردمان خارج ۹۸

- ۱) امتی واحد بودند، پس خداوند پیامبران را مژده‌آور مبعوث کرد ...
- ۲) امت یگانه‌ای بوده‌اند، آنگاه خداوند پیامبرانی هشداردهنده فرستاد ...
- ۳) ابتدا امت واحد بودند، سپس الله پیامبرانی را هشداردهنده برانگیخت ...
- ۴) در آغاز امتی یگانه‌پرست بوده‌اند، آنگاه الله پیامبران را مژده‌دهنده برانگیخت ...

﴿...الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ﴾: هنر ۹۸

- ۱) آنها که در حال رکوع کردن نماز می‌گزارند و زکات می‌دهند!
- ۲) کسانی که اقامه نماز می‌کنند و زکات می‌دهند و در حال رکوع هستند!
- ۳) آنان که نماز را اقامه می‌کنند و در حال رکوع کردن زکات خود را می‌پردازند!
- ۴) کسانی که نماز را بر پا می‌دارند و در حالی که در رکوع هستند زکات را می‌دهند!

﴿لَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَنْتُمُ الْأَعْلَوْنَ...﴾: زبان ۹۸

- ۱) سستی مکنید و غمگین مشوید زیرا شما برتر هستید....
- ۲) سست مشوید و غم مخورید در حالیکه شما هستید برتران....
- ۳) شما را «وهن» دست ندهد و دچار حزن نشوید چه شمائید برتران...
- ۴) دچار «وهن» و سستی نشوید و غم مخورید چه برتر از همه شمائید...

«يُسْتَخْرَجُ زَيْتٌ خَاصٌّ مِنْ كَبِدِ الْحَوْتِ وَهُوَ يُسْتَعْمَلُ فِي صِنَاعَةِ مَوَادِّ التَّجْمِيلِ!»: زبان ۹۸

- ۱) از کبد نهنگ روغنی خاص استخراج می‌شود که در ساختن مواد آرایشی به‌کار می‌رود!
- ۲) روغنی خاص را از کبد نهنگ استخراج می‌کنند که در صنعت مواد زیبایی به‌کار می‌رود!
- ۳) این روغن مخصوص را از جگر نهنگ استخراج می‌کنند که در ساختن مواد زیبایی کاربرد دارد!
- ۴) کاربرد این روغن مخصوص که از جگر نهنگ استخراج می‌شود در صنعت مواد آرایشی می‌باشد!

﴿إِنَّمَا وَلِيكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا...﴾: ریاضی ۹۸

- ۱) ولی شما فقط الله است و رسول او و کسانی که ایمان آورده اند ...
- ۲) همانا ولی شما خداوند است و پیامبرش و هر کس ایمان بیاورد ...
- ۳) سرور شما بدون شک الله است و پیامبر و آنکه ایمان آورده است ...
- ۴) بدرستی که خداوند سرور شما است و رسول او و کسی که ایمان آورده است ...

«إِنَّهَا مِنْ أَعْجَبِ الْأَسْمَاكِ، تَغْذِيَّتُهَا صَعْبَةٌ عَلَى الْهَوَاةِ لِأَنَّهَا تُحِبُّ أَنْ تَأْكُلَ صَيْدَهَا حَيًّا!»: ریاضی ۹۸

- ۱) آن از ماهی‌های عجیبی است که تغذیه‌اش برای علاقمندان سخت است برای این که دوست دارد شکار زنده بخورد!
- ۲) او از شگفت‌ترین ماهیانی است که برای علاقمندان، غذا دادنش سخت است زیرا او خوردن زنده شکار را دوست دارد!
- ۳) او از ماهیان شگفت‌آوری است که برای علاقمندان، تغذیه‌اش سخت دشوار است زیرا زنده خوردن صید را دوست دارد!

۴) آن از عجیب ترین ماهی هاست، غذا دادن به او برای علاقمندان دشوار است زیرا دوست دارد که صید خود را زنده بخورد!

«كان الطالب الناجح يحرص أعماله الحسنة لأصدقائه و هو يذكر مشاكل كان قد تخلص منها!»: خارج انسانی ۹۸

- ۱) دانش آموزی که موفق بود کارهای خویش را برای دوستانش می شمرد حال آنکه مشکلاتی را که از آنها خلاص شده بود بیان می کرد!
- ۲) دانش آموز موفق کارهای خویش را برای دوستانش می شمرد در حالیکه مشکلاتی را که از آنها رهایی یافته بود بیان می کرد!
- ۳) دانش آموز موفق کارهای خویش را برای دوستانش می شمرد مشکلاتی را که از آنها رهایی یافته بود بیان می کرد!
- ۴) دانش آموز موفق کارهای خویش را برای دوستانش شمرده مشکلات رها شده از آنها را بیان کرده بود!

عین الصحیح: انسانی ۱۴۰۰

- ۱) ما أسرع مَرَّ السنين من العَمَر و نحن في غفلة: سالهای عمر به سرعت می گذرد و ما در غفلت هستیم!
- ۲) إذا عملت سيئة فاعمل حسنة حتى تَعُوْضَ منها: هرگاه کار بدی را انجام دادی کار نیکی انجام بده تا آن را جبران کنی!
- ۳) يصنع الإنسان أشياء تحوّل الظلام إلى الضوء: انسان با ساختن اشیائی تاریکی را به روشنائی تبدیل کرده است!
- ۴) إفراز السائل المطهر من لسان القط جعله حيواناً خاصاً: گربه با ترشح مایع پاک کننده از زبانش حیوان خاصی شده است!

عین الصحیح: خارج ۱۴۰۰

- ۱) قد نُعوذُ أنفسنا عملاً جيّداً و سيّئاً: گاهی خودمان به کار خوب یا بدی عادت می کنیم،
- ۲) و يُصبحُ تغييره كداء لا معالجة له: و تغییر دادنش گاهی مثل بیماری است که درمان ندارد.
- ۳) و نُجذبُ إليه لا عن عزم، و در حالیکه تصمیمی بر آن نداریم بسوی ما کشیده می شود،
- ۴) و نعمله و نحن غافلون عنه!: و آن را انجام می دهیم در حالی که از آن غافل هستیم!

عین الصحیح: زبان ۹۹

- ۱) أفضل سلاح المرء كلامه و كآئه حسام: بهترین سلاح انسان کلامی است که چون شمشیر می باشد!
- ۲) عین البومة ثابتة و هي لا تقدر أن تدیر إلا رأسها: چشم جغد ثابت است و فقط سر آن حرکت می کند!
- ۳) هناك عُشٌّ صغير فوق تلك الشجرة المرتفعة لا فرخ فيه: بالای آن درخت بلند آشیانهء کوچکی هست که هیچ جوجه ای در آن نیست!
- ۴) طُلب من الطّلاب أن یأتوا بوالدیهم یوم الخمیس إلى المدرسة: از دانش آموزان خواست که روز پنجشنبه با والدین خود به مدرسه بیایند!

عین الصحیح: تجربی ۹۸

- ۱) إذا لا تكون مقتدرًا فالآخرون لا یسمعون كلامك: هرگاه مقتدر نبودی دیگران به سخن تو گوش نمی دهند!
- ۲) لا تُكرمنَ اللئیمَ لِأنه یتمرّدُ تمرداً و أنت تیاَس: هرگز انسان فرومایه را گرامی مدار برای اینکه او قطعاً نافرمانی خواهد کرد درحالی که تو مأیوس شده ای!

۳) (السكوتُ أجمل كلام قد یستطیع أن یثیر الشخص أكثر من كل شيء آخر: سکوت زیباترین سخنی است که گاهی می تواند شخص را بیش از هر چیز دیگری برانگیزاند!

۴) (یصاد الحوت لیستفید الکیماویون من زیت کبده فی صناعة مواد التجمیل: نهنگها صید می شوند تا شیمی دانان از روغن کبد آنها در ساختن مواد آرایشی استفاده کنند!

عین الصحیح: انسانی ۹۸

- ۱ (مَا وَجَدتِ الْبَنَاتُ أَمَهْنَ حَيَّةً نُحْنُ عَلَيْهَا: دختران هنگامی که مادر خود را زنده نیافتند، بر او شیون کردند!
- ۲ (لَا أَحَدٌ يَأْتِيكَ فِي حَاجَةٍ فَتَرَدُّهُ خَائِبًا: کسی نیست که با خواسته‌هایش نزد تو بیاید و تو او را ناامید برگردانی!
- ۳ (مَنْ ذَاقَ حَبَّكَ دَنَا إِلَيْكَ وَهُوَ يَخَافُ مِنْكَ: کسی که عشق تو را چشید درحالی که از تو می‌ترسد به تو نزدیک است!
- ۴ (الْكُذَّابُ يَتَظَاهَرُ بِالصِّدْقِ وَ إِن يَظْهَرُ الْكُذْبُ فِي وَجْهِهِ: دروغگو تظاهر به راستگویی می‌کند اگرچه دروغ از چهره‌اش نمایان بوده است!
- عَيْنُ الصَّحِيحِ: خارج ۹۸

- ۱ (رَأَيْتَ مَعْلَمًا مَسْرُورًا وَهُوَ يَجِيبُ عَلَى أَسْئَلَةِ التَّلَامِيذِ: معلم را در حالی که خوشحال بود دیدم که به سؤالات دانش‌آموزان پاسخ می‌داد!
- ۲ (حَانَ (= جَاءَ) وَقْتُ الْامْتِحَانَاتِ وَ أَنْتُمْ غَافِلُونَ عَنْهَا: زمان امتحانات فرا رسید در حالی که شما از آن غافل هستید!
- ۳ (دَعَوْتُ صَدِيقِي وَهُوَ يَكْتَبُ رِسَالَةً: دوستم را دعوت کردم در حالی که نامه‌ای نوشته بود!
- ۴ (يُسَاعِدُ الْوَلَدَ أُمَّهُ مَبْتَسِمَةً: فرزند در حالی که خندان است به مادرش کمک می‌کند!
- عَيْنُ الْخَطَأِ: ریاضی ۱۴۰۰

- ۱ (بِالْحَلْمِ عَنِ السَّفِيهِ يَكْثُرُ الْأَنْصَارُ: بردباری بر نادان یاران را زیاد می‌کند!
- ۲ (سَيَأْتِي الْغَدُ بِكثيرٍ مِمَّا لَا تَعْرِفُونَ: فردا بسیاری از آنچه را نمی‌دانید، خواهد آورد!
- ۳ (اللَّهُ الَّذِي يَنْصُرُ الْمُجَاهِدِينَ وَ هُمْ قَلِيلُونَ: خدا کسی است که مجاهدان را با اینکه اندکند یاری می‌کند!
- ۴ (يُوجَدُ النَّفْطُ تَحْتَ طَبَقَاتِ الْأَرْضِ بَعْدَ مَرورِ قُرُونٍ: نفت زیر طبقات زمین بعد از گذشتن قرن‌ها یافت می‌شود!
- عَيْنُ الْخَطَأِ: انسانی خارج ۱۴۰۰

- ۱ (أَفْضَلُ الْأَعْمَالِ الْحَلْمُ عِنْدَ الْغَضَبِ وَ الصَّبْرُ عِنْدَ الطَّمَعِ: برترین کارها بردباری هنگام خشم است و صبر هنگام طمع!
- ۲ (لَا تَجْمَعُ مِنَ الْمَالِ وَ أَنْتَ لَا تَدْرِي لِمَنْ تَجْمَعُ: از مال و ثروت جمع مکین در حالیکه تو نمیدانی برای چه کسی جمع می‌کنی!
- ۳ (إِذَا سَلِمْتَ مِنَ الْأَسَدِ الْمُفْتَرَسِ فَلَا تَطْمَعُ فِي صَيْدِهِ: هرگاه از شیر درنده در سلامت ماندی به شکار کردنش طمع مکن!
- ۴ (إِنَّ الْمُجَاهِدِينَ بَاعُوا أَرْوَاحَهُمْ وَ اشْتَرَوْا الْجَنَّةَ: جهادکنندگان جانهای خود را فروختند تا به بهشت برسند!

«کشاورز را دیدم در حالی که محصول را جمع می‌کرد». عَيْنُ الصَّحِيحِ: ریاضی ۱۴۰۰

- ۱ (شَاهَدْتُ فَلَاحًا وَهُوَ يَجْمَعُ مَحْصُولَهُ!
- ۲ (شَاهَدْتُ فَلَاحًا وَهُوَ يَجْمَعُ الْمَحْصُولَ!
- ۳ (رَأَيْتُ الْفَلَّاحَ وَهُوَ يَجْمَعُ مَحْصُولًا!
- ۴ (رَأَيْتُ الْفَلَّاحَ وَهُوَ يَجْمَعُ الْمَحْصُولَ!

عَيْنُ الْخَطَأِ عَنِ «الْجَرَّارَةِ»: زبان ۱۴۰۰

- ۱ (تَجَرَّ نَفْسَهَا عَلَى الْأَرْضِ!
- ۲ (وَسِيلَةُ كَالسَّيَّارَةِ تُصْنَعُ فِي الْمَصْنَعِ!
- ۳ (قَدْ تُسْتَعْمَدُ لِنَقْلِ السَّيَّارَاتِ الْمَعْطَلَةَ إِلَى مَوْقِفِ التَّصْلِيحِ!
- ۴ (تُسْتَعْمَدُ فِي الْقَرْيَةِ عَادَةً لِأَنَّ السَّاكِنِينَ يَحْتَاجُونَ إِلَيْهَا أَكْثَرَ!

عَيْنُ الْخَطَأِ عَنِ «الْجَرَّارَةِ»: هنر ۹۹

- ۱ (هِيَ آلَةٌ تُسَاعِدُ الْمُزَارِعِينَ!



۲) یَنْتَفِعُ بِهَا فِي الْأَعْمَالِ الزَّرَاعِيَّةِ!

۳) تُسْتَعْمَدُ فِي الْمَزَارِعِ عَادَةً!

۴) تَجَرَّ نَفْسَهَا عَلَى الْأَرْضِ الزَّرَاعِيَّةِ!

عَيْن « دُؤُوبٌ » جَالًا: اختصاصی خارج ۱۴۰۰

۱) لِيَتَنِي أُصْبِحَ دُؤُوبًا فِي اِكْتِسَابِ الْعِلْمِ!

۲) لَا يَتَقَدَّمُ فِي الْحَيَاةِ إِلَّا مَنْ يُحَاوِلُ دُؤُوبًا!

۳) مَنْ كَانَ أَمِيرًا يَجِبُ أَنْ يَكُونَ دُؤُوبًا وَحَلِيمًا!

۴) رَأَيْتَ طَالِبًا دُؤُوبًا يَسْتَمِرُّ فِي أَعْمَالِهِ لِأَهْدَافِهِ الْعَالِيَةِ!

عَيْنَ مَا فِيهِ الْحَالُ: ریاضی ۹۹

۱) إِنَّ شَجْرَةَ الْخُبْزِ شَجْرَةٌ عَجِيبَةٌ وَ تَحْمَلُ الْأَثْمَارَ فِي نَهَايَةِ الْأَغْصَانِ!

۲) رَأَيْتَ شَجْرَةَ الْخُبْزِ وَ هِيَ تَحْمَلُ أَثْمَارَهَا فِي نَهَايَةِ أَغْصَانِهَا!

۳) رَأَيْتَ شَجْرَةَ الْخُبْزِ الَّتِي تَحْمَلُ الْأَثْمَارَ فِي نَهَايَةِ الْأَغْصَانِ!

۴) شَجْرَةُ الْخُبْزِ تَحْمَلُ أَثْمَارَهَا فِي نَهَايَةِ أَغْصَانِهَا!

عَيْنَ مَا لَيْسَ فِيهِ « الْحَالُ »: اختصاصی ۹۹

۱) لَا تَتَسَامَحُوا وَ أَنْتُمْ تَحْسَبُونَ أَنَّ لَكُمْ فِرْصَةً كَثِيرَةً،

۲) لِأَنَّكُمْ إِذَا تَبَدَّوْنَ بِالْعَمَلِ وَ هُوَ يَحْتَاجُ إِلَى زَمَانٍ،

۳) لَا تَجِدُونَ الْفِرْصَةَ كَثِيرَةً وَ هِيَ قَلِيلَةٌ وَ قَصِيرَةٌ دَائِمًا،

۴) فَيَجِبُ أَنْ تَسْتَفِيدُوا مِنَ الْفِرْصَةِ وَ لَوْ كَانَتْ قَلِيلَةً!

عَيْنَ مَا فِيهِ الْحَالُ: ریاضی ۹۸

۱) جَاءَ لَنَا مَدْعُوْنَ كَثِيرُونَ هُمْ تَنَاوَلُوا الطَّعَامَ فِي سَاعَةٍ مَتَأَخَّرَةً!

۲) جَاءَ ضِيُوفٌ كَثِيرُونَ وَ جَاءَ صَاحِبَ الْبَيْتِ وَ اسْتَقْبَلَهُمْ بِحَفَاوَةٍ!

۳) جَاءَ الضُّيُوفُ الْكَثِيرُونَ وَ هُمْ يَتَكَلَّمُونَ عَنِ ذِكْرِيَاتِ الضُّيَافَةِ!

۴) جَاءَ لَنَا الْمَدْعُوْنَ الْكَثِيرُونَ حِينَ كُنَّا نَتَكَلَّمُ مَعَ أَصْدِقَائِنَا!

عَيْنَ الْجُمْلَةِ الَّتِي لَيْسَتْ فِيهَا الْحَالُ: انسانی خارج ۹۸

۱) يُصْبِحُ النَّاسُ مَسْرُورِينَ فِي فَصْلِ الرَّبِيعِ بَعْدَ مَشَاهِدَةِ الطَّبِيعَةِ الْخَضْرَاءِ!

۲) إِنْ يَصْنَعُ الْمُهَنْدِسُونَ الْبَيْوتَ مُحْكَمَةً لَا تُهَدَّدُ الْحَوَادِثُ أَكْثَرَ الْمَدَنِ!

۳) قَدْ نَرَى تَدَاخُلَ رَوَابِطِ الْإِنْسَانِ وَ الْبَيْتَةِ وَ هُوَ مُضِرٌّ لِلطَّبِيعَةِ!

۴) إِنَّ التَّلْمِيزَ الَّذِي لَا يُطَالَعُ دُرُوسَهُ وَ هُوَ يَفْهَمُهَا لَيْسَ نَاجِحًا!

مای درس

گروه آموزشی عصر

www.my-dars.ir

درس ۳

- «إِنَّ الْبِرْنَامَجَ الَّذِي يَبْدَأُ بِالتَّعَلُّمِ الْمُنَاسِبِ يُمَكِّنُ أَنْ يُحَدِّدَ حَيَاةَ الْمَرْءِ فِي الْمُسْتَقْبَلِ، وَ هَذَا هُوَ مَكَانُ الْعِلْمِ»: هنر ۱۴۰۰
- (۱) برنامه ای که با یادگیری خوب آغاز شده ممکن است زندگی آینده انسان را روشن کند، این موقعیت علم است!
- (۲) برنامه کسی که با یادگیری در ست آغاز کرده، امکان دارد زندگیش را در آینده معین کند، این جایگاه علم است!
- (۳) برنامه آن کس با یادگیری مناسب آغاز می شود که بتواند زندگی فردای شخص را معلوم کند، و این همان موقعیت علم است!
- (۴) برنامه ای که با یادگیری صحیح آغاز می شود ممکن است زندگی فرد را در آینده تعیین کند، و این همان جایگاه علم است!

«إِنَّمَا الْعِلْمُ ثَرَوَةٌ لَا يَسْتَطِيعُ الظَّالِمُونَ أَنْ يَنْهَبُوهَا، وَ لَا حَاجَةَ لَهُ إِلَى حَارِسٍ يَحْرُسُهُ!»: هنر ۱۴۰۰

- (۱) تنها علم ثروت است، ستمکاران نمی توانند غارتش کنند، و هیچ نیازی نیست که نگهبانی از آن حراست کند!
- (۲) ثروت واقعی علم است، ظالمان نمی توانند علم را غارت کنند و نیازی ندارد که نگهبانی از آن نگهبانی کند!
- (۳) علم فقط ثروتی است که ظالمان توانائی ندارند غارتش کنند، و نیازی به نگهبانی که از آن نگهداری کند وجود ندارد!
- (۴) علم تنها ثروتی است که ستمکاران نمی توانند آن را به یغما برند، و هیچ نیازی به نگهبانی که از آن محافظت کند ندارد!

«الصَّدَقُ كَصَحَّةِ الْإِنْسَانِ، لَا يُمَكِّنُ أَنْ تُدْرِكَ قِيَمَتَهُ إِلَّا عِنْدَمَا يَفْقَدُ!»: ریاضی ۱۴۰۰

- (۱) صدق همان سلامتی انسان است، فقط زمانی که از دست برود قدر آن دانسته می شود!
- (۲) صداقت مانند سلامتی انسان است، تا زمانی که از دست نرود امکان ندارد ارزش آن درک شود!
- (۳) راستی همان صحت بدن انسان است، ارزشش درک نمی شود مگر آنگاه که آن را از دست بدهد!
- (۴) درستی همچون سلامت بدن انسان است، نمی توانی قدر آن را دریابی مگر زمانی که از دست برود!

«عَجَائِبُ الْخَلْقَةِ كَثِيرَةٌ، مِنْهَا أَنْ هُنَاكَ أَسْمَاكَ لَا تُضِيءُ تَحْتَ الْبَحَارِ إِلَّا بِالضُّوْءِ الْمَضِيءِ الَّذِي تَحْتَ عِيُونِهَا!»: انسانی ۱۴۰۰

- (۱) عجایب خلقت بسیار است، از جمله ماهیهایی که فقط با نور تابناکی که در زیر چشم دارند زیر دریا را نورانی می کنند!
- (۲) عجایب زیادی در خلقت است، از جمله ماهیهایی هستند که زیر دریاها را نورانی می کنند فقط با نوری که زیر چشمهایشان هست!
- (۳) شگفتیهای آفرینش بسیارند، از جمله ماهیانی هستند که فقط با نور روشنی بخشی که زیر چشمهایشان هست زیر دریاها را روشنی می بخشند!

۴) شگفتیهای بسیار در خلقت است، از جمله در ماهیانی است که زیر دریاها را روشنی نمی بخشند مگر با روشنائی نوری که زیر چشمهایشان موجود است!

«ما من شجرة تُعْ رَس إِلَّا و لها فائدة للنَّاسِ، إِنْ لیس عَرَسُ الأشجار بسبب أنَّها تُثمر فقط!»: انسانی ۱۴۰۰ اختصاصی

- ۱) آنچه از درخت کاشته می شود فایده اش برای مردم است، ولی علت کاشتن درختان فقط بهره دادن آنها نیست!
- ۲) درخت فقط برای این کاشته می شود که فایده بخش است، لذا کاشتن درختان بخاطر اینکه بهره بدهند نیست!
- ۳) هیچ درختی نیست که بکاری مگر اینکه برای مردم فایده داشته باشد، پس علت کاشتن درختان میوه دادنشان نیست!
- ۴) هیچ درختی نیست که کاشته شود مگر اینکه برای مردم فایده ای داشته باشد، بنابراین کاشتن درختان فقط بخاطر اینکه آنها میوه می دهند نیست!

«هناك مئات الطيور تبني أعشاشها على جبال ارتفاعها أكثر من ألفي متر و تقذف أفراخها منها لتتعلم الطيران!»: خارج ۹۹

- ۱) صدها پرنده لانههای خود را بر بلندای بیش از دو هزار متر، روی کوهها می سازند تا جوجهها را از آنجا پرتاب کنند تا پرواز کردن بیاموزند!
- ۲) آنجا صدها پرنده است که آشیانهها را بر کوههایی به بلندای بیشتر از دو هزار متر بنا کرده جوجههایشان را از آنجا می پرانند برای اینکه پرواز کردن بیاموزند!
- ۳) آنجا صدها پرنده لانههایشان را بر کوههایی که ارتفاعشان از دو هزار متر بیشتر است بنا می کنند و جوجههای خود را از آن می اندازند تا پرواز کردن را به آنها یاد بدهند!
- ۴) صدها پرنده وجود دارند که آشیانههای خود را بر کوههایی که ارتفاع آنها بیش از دو هزار متر است می سازند و جوجههایشان را از آنجا پرتاب می کنند تا پرواز را یاد بگیرند!

«كان ذلك العام يمضي أوقاته بالمطالعة و الدّراسة و لا يتتعد عن النشاط لحظةً على رغم الطّروف القاسية!»: زبان ۹۹

- ۱) تمام وقت آن عالم در مطالعه و پژوهش می گذشت، و با وجود شرایط سخت یک لحظه از فعالیت دور نمی شد!
 - ۲) آن دانشمند اوقات خود را به مطالعه و تحقیق می گذراند و با وجود شرایط سخت، لحظه ای از فعالیت دور نمی شد!
 - ۳) وقت آن دانشمند به مطالعه و تحقیق می گذشت، در حالی که علی رغم شرایط سخت لحظه ای از کار دور نمی شود!
 - ۴) آن عالم اوقاتش را در مطالعه و پژوهش می گذراند، در حالی که علی رغم شرایط سختش حتی یک لحظه از کار دور نمی شود!
- «يستطيع النَّاسُ أن يقرؤوا من الكتب ما يحبونها، إِلَّا من لهم فكرٌ قادر على تمييز المسائل!»: مردم می توانند تجربی ۹۹

- ۱) از کتابها هرچه دوست می دارند بخوانند، جز کسانی که توانایی برای تشخیص امور ندارند!
 - ۲) بخوانند هر آنچه را از کتابها که دوست دارند، مگر آنکه قدرت جدا کردن امور را نداشته باشند!
 - ۳) از کتابها آنچه را دوست دارند بخوانند، مگر آنان که فکری قادر بر تشخیص مسائل نداشته باشند!
 - ۴) کتابهایی را که دوست می دارند بخوانند، مگر اینکه نتوانند با فکر و توانایی مسائل را از یکدیگر جدا کنند!
- «الإنسان لا يُصاب بأمر إِلَّا بقدر طاقته: فعلينا أن يزداد إيماننا لأنَّ الله لن يترك محببه!»: هنر ۹۹
- ۱) انسان فقط به اندازه توانش به امری دچار شده است، پس باید ایمانمان را زیاد کنیم زیرا خدا علاقه مندانش را رها نخواهد کرد!

- ۲) انسان به اندازه توانش به امور دچار می شود، پس باید ایمانمان را زیاد کنیم زیرا خدا محبان خود را هرگز ترک نمی کند!
- ۳) انسان به چیزی دچار نمی شود مگر به اندازه توانش، پس باید ایمانمان زیاد شود زیرا خدا دوستدارانش را رها نخواهد کرد!
- ۴) انسان هیچگاه بیش از توانش به خواسته ای دچار نمی شود، پس باید ایمانمان زیاد شود زیرا خدا هرگز محبوبان خود را رها نمی کند!

«لا تُسَجِّلْ صَدِيقَتِي الْمُجَدَّةَ فِي دَفْتَرِهَا إِلَّا الْمَوْضُوعَاتِ الْجَدِيدَةِ وَالْمَهْمَةَ!»: انسانی ۹۹

۱) دوست تلاشگر فقط موضوعات جدید و مهم را در دفترش ثبت می کند!

۲) دوست تلاشگر من در دفترش ثبت نمی شود مگر موضوعات جدید و مهم!

۳) دوستم با تلاش چیزی در دفترش ثبت نمی کند جز موضوعات جدید و مهم را!

۴) چیزی جز موضوعات جدید و مهم در دفتر دوستم که تلاشگر است، ثبت نمی شود!

«لَا قَرَحَ يَتَعَلَّمُ الطَّيْرَانِ إِلَّا أَنْ يَقْذِفَ نَفْسَهُ مِنَ الْأَعْلَى إِلَى الْأَسْفَلِ!»: انسانی ۹۹

۱) فقط جوجه ای پرواز کردن را یاد می گیرد که بتواند خود را از بالا به پایین بیندازد!

۲) هیچ جوجه ای پرواز کردن را جز با پرتاب شدن خود از بالا به سمت پایین نمی آموزد!

۳) هر جوجه ای فقط زمانی پرواز را می آموزد که خودش را از بالا به سمت پایین بیندازد!

۴) هیچ جوجه ای نیست که پرواز یاد بگیرد مگر اینکه خودش را از بالا به پایین پرتاب کند!

«لَمَّا وَصَلْتُ إِلَى الْمَلْجَأِ الْمُقَدَّسِ الَّذِي كَانَ يَقَعُ فَوْقَ جَبَلٍ مُرْتَفِعٍ رَأَيْتُ أَنَّهُ لَا يَصِلُ إِلَيْهِ إِلَّا مَنْ لَهْمُ قُوَّةٍ أَكْثَرُ!»: هنر ۹۸

۱) وقتی به پناهگاه مقدس که بالای کوه بلندی قرار داشت رسیدم دیدم که فقط کسانی که قدرت بیشتری دارند به آن می رسند!

۲) هنگامی که به آن پناهگاه مقدس که بالای کوهی بلند واقع است رسیدم، دیدم کسانی که نیروی بیشتر دارند تنها به آن می رسند!

۳) هنگام رسیدن به پناهگاه مقدس که در بلندی کوه مرتفع واقع است، دیدم فقط کسانی که قدرت بیشتری دارند، به آن می رسند!

۴) وقتی به آن پناهگاه مقدس رسیدم که در بلندی کوه مرتفعی قرار داشت، کسی را ندیدم که به آنجا برسد مگر کسانی که نیروی بیشتری داشتند!

«أُتَسْتَشِيرُ الْكُذَّابَ وَ مَا هُوَ إِلَّا سَرَابٌ يُعْرَفُ الْحَقِيقَةَ إِلَيْنَا عَلَى الْعَكْسِ!»: انسانی ۹۸

۱) با دروغگو شور می کردم اما او فقط یک سراب بیش نبود که حقایق را معکوس به من معرفی می کرد!

۲) آیا این دروغگویی که با او مشورت می کنی کسی جز سرابی است که حقایق را به ما وارونه می شناساند!

۳) آیا با دروغگو مشورت می کنی، در حالی که او فقط سرابی است که حقیقت را به ما وارونه معرفی می کند!

۴) چگونه با دروغگو مشورت می کنی حال آن که او چیزی جز سراب نیست که حقیقت را معکوس به ما می شناساند!

«لَا يَتْرَكَ مِنَ الْأَوْلَادِ وَالذَّيْهِمِ إِلَّا مَنْ يَعْتَقِدُ أَنَّهَا لَيْسَا بِحَاجَةٍ إِلَيْهِ وَ هُمَا فِي صَحَّةٍ!»: انسانی ۹۸

۱) فرزندان والدین خودشان را ترک نمی کنند مگر معتقد به این باشند که آنها در سلامتند و نیاز به او ندارند!

۲) از میان فرزندان فقط کسی والدین را ترک می کند که عقیده داشته باشد که آنان سلامتی دارند و نیازمند به او نیستند!

۳) تنها کسی در میان فرزندان پدر و مادر را ترک می کند که بر این عقیده باشد که آنان به او نیازمند نیستند و در سلامتند!

۴) از فرزندان فقط کسی پدر و مادرش را ترک می کند که معتقد باشد آنها به او نیاز ندارند و هر دو در سلامت هستند!

«لَا قُوَّةَ تَقْدِرُ أَنْ تُنْقِدَنَا مِنْ خُرَافَاتِ نَعِيشٍ مَعَهَا إِلَّا التَّفَكُّرُ!»: تجربی ۹۸

۱) هیچ نیرویی که بتواند زندگی ما را از خرافه هایی که به آن زنده ایم، برهاند، جز اندیشه نیست!

۲) جز تفکر، قدرتی نیست که قادر باشد ما را نجات بدهد از این خرافات زندگی نمائیم!

۳) فقط قدرت اندیشیدن است که می تواند ما را از خرافه هایی نجات دهد که با آن زنده ایم!

۴) نیرویی که می‌تواند ما را از خرافاتی که با آن زندگی می‌کنیم، رها سازد، فقط تفکر است!

«صعد الزَّوَّارُ كُلُّهُمْ جَبَلَ النُّورِ لزيارة غار حراءِ إِلَّا من لم يقدرُوا على الصُّعودِ!»: تجرِبی ۹۸

۱) همه زوَّار برای دیدار غار حراء در کوه نور، از آن بالا رفتند مگر آن کسی که نمی‌توانست بالا برود!

۲) زائران همگی برای زیارت غار حراء از کوه نور بالا رفتند مگر کسانی که برای صعود قدرت نداشتند!

۳) همه زائران بخاطر زیارت غار حراء کوه نور را در نوردیدند جز آنها که قدرت بالا رفتن نداشتند!

۴) زوَّار همگی به دیدن غار حراء از کوه نور صعود می‌کنند جز آن کس که نمی‌تواند صعود کند!

من «لم يجد الجنة على الأرض لن يحصل عليها في السماء، الجنة قريبة منا ولا وسيلة للوصول إليها إلا الأعمال الحسنة!»: اختصاصی خارج ۹۸

۱) هر کس بهشت را روی زمین نیابد آن را در آسمان نخواهد یافت، بهشت نزدیک ماست و فقط اعمال نیک وسیله رسیدن به آن است!

۲) کسی که بهشت روی زمین را نیافت آن را در آسمان نخواهد یافت، این بهشت در نزدیکی ماست و هیچ وسیله‌ای جز اعمال حسنه ندارد!

۳) هرکس بهشت روی زمین را پیدا نکرده، در آسمان هم پیدا نمی‌کند، بهشت در همین نزدیکی است و تنها اعمال حسنه وسیله رسیدن به آن است!

است!

۴) کسی که روی زمین بهشت را پیدا نمی‌کند آن را در آسمان هم پیدا نمی‌کند، این بهشت نزدیک ماست و جز اعمال نیک هیچ وسیله‌ای برای

وصول به آن نیست!

عین الصحیح: تجرِبی ۹۹

۱) التفکر ساعتین خیر من العبادَة ساعاتٍ: مدّت دو ساعت فکر کردن بهتر از ساعاتی از عبادت است!

۲) العُقلاء لا یفقهون ما لیس لهم به علمٌ: انسان‌های عاقل بر چیزی که به آن علمی ندارند، توقّف نمی‌کنند!

۳) إنّ النّفس المطمئنّة لا تأخذ اطمئنانها إلا من ربّها: نفس مطمئنّه آرامش از هیچ‌کس جز از خدا نمی‌گیرد!

۴) بعد أن فکّر لحظاتٍ وجَد المأمن الذّی کان قد لجأ إليه قبل هذا: بعد از اینکه لحظاتی فکر کرد محلّ امنی را که قبل از این به آن پناه

برده‌بود، یافت!

عین الصحیح: ریاضی ۹۹

۱) لن تكون الحیاة دون نقص ولكنّها جميلة دائماً: زندگی را هرگز بدون نقص نخواهی یافت ولی همیشه زیباست!

۲) ذهبنا إلى غابة و رأينا هناك آیات ربّنا الکبری: به جنگلی رفتیم و در آنجا نشانه‌های پروردگار بزرگمان را دیدیم!

۳) طوبی لمن یجتنب الکذب و إن کان للمزاح: خوشا به حال کسی که از دروغ‌گفتن دوری می‌کند، اگرچه برای مزاح باشد!

۴) إنّ العین لا تدور فی اتّجاهین إلا فی بعض الحيوانات کالحریاء: چشم بعضی حیوانات مثل حریاء در دو جهت مختلف می‌چرخد!

عین الصحیح: هنر ۹۸

۱) غَضَّت عینها عما لا یرضی ربّها: چشمش را بر هم نهاد از آنچه پروردگارش را راضی نمی‌کند!

۲) لا یضیق وعاء العلم ما جعل فیه: ظرف علم به آن چیزی که در آن قرار داده شده، تنگ نمی‌شود!

۳) هناك تجاربٌ أنفع من کتبٍ قرأناها: آنجا تجربه‌هایی است که مفیدتر از کتابهایی است که آنها را می‌خوانیم!

۴) القراءة لا تُغنینا عن الفکر علی مرّ حیاتنا: خواندن در طول زندگی ما، از اندیشه کردن غنی‌کننده‌تر نیست!

عین الخطأ: تجرِبی ۱۴۰۰

- ۱ (لا تَزُولُ ظِلْمَاتُ الْجَهْلِ إِلَّا بِصَاحِبِ الْعِلْمِ: تاریکیهای جهل فقط با چراغهای علم از بین می رود!
- ۲ (ما اَمْتَنَعَ الْوَالِدُ أَنْ يَأْكُلَ الطَّعَامَ الَّذِي قَدْ طَبَخْتَهُ الْوَالِدُ: کودک امتناع نکرد غذایی را که مادر پخته، بخورد!
- ۳ (تَلْقَيْبُ الْآخِرِينَ بِمَا يَكْرَهُونَ عَمَلٌ قَبِيحٌ: لقب دادن دیگران به آنچه ناپسند می دانند کار زشتی است!
- ۴ (يُقَطِّعُ التَّوَّاصِلُ بَيْنَ الْأَصْدِقَاءِ بِالْغِيْبَةِ وَالِاسْتِهْزَاءِ: ارتباط بین دوستان را غیبت و مسخره کردن قطع می کند!

عَيْنُ الْخِطَاءِ: هنر ۹۹

- ۱ (الْجَهْلُ مُصِيبَةٌ لَنْ نَتَخَلَّصَ مِنْهُ إِلَّا بِالْعِلْمِ: فقط با علم، از مصیبت جهل، رهایی می یابیم!
- ۲ (كَثِيرٌ مِنَ النَّاسِ يَعْرِفُونَ كُلَّ شَيْءٍ بِضَدِّهِ مَعْرِفَةٌ أَفْضَلُ: بسیاری از مردم هر چیزی را با ضدش بهتر می شناسند!
- ۳ (عَلَى الْإِنْسَانِ أَنْ لَا يَجْرَحَ قَلْبَ الْآخِرِينَ بِكَلِمَاتٍ قَبِيحَةٍ: انسان نباید با کلمات زشت قلب دیگران را مجروح کند!
- ۴ (كَأَنَّ الْعُلَمَاءَ فِي بَسْطِ الْعِلْمِ لَيْسُوا إِلَّا مَطَرًا لِلْأَرْضِ: گویی دانشمندان در گسترش علم چیزی جز باران برای زمین نیستند!

عَيْنُ الْخِطَاءِ: هنر ۹۹

- ۱ (الْعِلْمُ إِنْ لَمْ يَنْفَعْنَا لَا يَضُرُّنَا: علم اگر به ما نفع نرساند ضرر نمی رساند!
- ۲ (إِمَّا الدِّينُ إِطَارٌ لِلْعِلْمِ وَالْحَضَارَةُ: دین چارچوبی برای علم و تمدن است!
- ۳ (التَّفَكُّرُ هُوَ الدَّوَاءُ لِدَفْعِ سُمُومِ الْخِرَافَاتِ: فکرکردن همان دارو است برای دفع کردن سموم خرافات!
- ۴ (الْفَضْلَاءُ شَخْصِيَّتُهُمْ أَقْوَى مِنْ أَنْ يَقْلُدُوا الْجُهْلَاءَ: فاضلان شخصیتشان قوی تر از این است که از جاهلان تقلید کنند!

عَيْنُ الْخِطَاءِ: انسانی ۹۹

- ۱ (عندما نعرف كيف فشلنا نفهم كيف سننجح: هر زمان بدانیم چگونه شکست خوردیم، می فهمیم چگونه موفق خواهیم شد!
- ۲ (لَا شَكَّ أَنْكَ لَا تَخْسِرُ إِلَّا إِذَا امْتَنَعْتَ عَنِ الْمَحَاوَلَةِ: شکی نیست که تو فقط زمانی که از تلاش خودداری کنی، زیان می بینی!
- ۳ (إِنَّ النَّجَاحَ لَا يَحْتَاجُ إِلَى الْإِقْدَامِ فَقَطْ، بَلْ إِلَى الْجَسَارَةِ أَيْضًا: پیروشدن فقط به قدمها احتیاج ندارد بلکه به جسارت نیز نیازمند است!
- ۴ (مَنْ يَكْذِبُ، لَا يَجِدُ دَلِيلًا مَقْنَعًا لِإثْبَاتِ قَوْلِهِ أَبَدًا: کسی که دروغ می گوید، هرگز برای ثابت کردن گفتهء خود دلیلی قانع کننده نمی یابد!

عَيْنُ الْخِطَاءِ: تجربی ۹۹

- ۱ (تجرې مياھ الشَّلَالِ مِنَ الْأَعْلَى إِلَى الْأَسْفَلِ مُتتَالِيَةً: آبهای آبشار از بالا به پایین پشت سر هم جاری می شوند!
- ۲ (رَائِحَةُ مَاءِ الْمَسْتَنْفَعَاتِ كَرِيهَةٌ لِأَنَّهُ لَا يَتَحَرَّكُ: بوی آب مردابها ناخوشایند است زیرا حرکت نمی کند!
- ۳ (لَا عَجَبَ فِي أَنْ نُؤَجِّلَ أَعْمَالَنَا الْحَسَنَةَ: هیچ تعجبی نیست که در کارهای خوبمان عجله کنیم!
- ۴ (لَا يُغْرِقُ فِي الْمَدْحِ وَالدَّمِ إِلَّا الْأَحْمَقُ: فقط احمق در ستودن و مذمت کردن اغراق می کند!

«سقوط جوجهها منظره بسیار ترسناکی است، ولی گریزی از آن نیست!»: هنر ۹۸

- ۱ (السقوط للفراخ من المناظر المرعبة، ولكن لا يمكن الفرار منه!
- ۲ (السقوط للأفراخ من مشاهد مرعبة كثيراً، أما ليس فرار منه!
- ۳ (سقوط الفراخ مشهد مرعب جداً، ولكن لا فرار منه!
- ۴ (سقوط الفراخ منظره مخوف كثيراً، أما لا بد منه!

عَيْنُ الصَّحِيحِ عَنِ الْمَفْرَدَاتِ: تجربی ۱۴۰۰

- (۱) من تَوَلَّمه رِجله لا يقدر الصعود إلى القمّة. (جمع) : رجال، قمم
 (۲) هواة كرة القدم يجتمعون في الملعب. (متضاد): راغبون، ينتشرون
 (۳) هو من أهمّ الكُتّاب على رغم ظروفه القاسية. (مفرد) : كتاب، ظرف
 (۴) بعد ذلك جاء بهدايا كثيرة فرفضها الملك. (المترادف) : أتى بـ ، لم يقبل)

عين الصحيح عن المفردات: خارج ۱۴۰۰

- (۱) إنّه قرأ آلاف الكتب و هو من أهمّ الكُتّاب. (مفرد) ← ألف - كاتب
 (۲) جاء بهدايا كثيرة و قبلها الفقير بسرور. (مترادف) ← أتى بـ - رفض
 (۳) كلّ وعاء يضيّق بما جعل فيه الأ وعاء العلم (متضاد) ← يتسع - الجاهل
 (۴) ذهبت لي أستاذي مع صديقتي لنسأل سوالات كثيرة (جمع) ← أساتذة - أصدقاء

عين الخطأ عن المفهوم: هنر ۱۴۰۰

- (۱) الأغنى: من يغني الآخرين أكثر.
 (۲) غنى: قرأ شعرا بصوت قرح أو حزين.
 (۳) أغنى (شخصاً): جعله غنياً لا حاجة له.
 (۴) الغنى: ذو سعة من المال و لا يساعد الآخرين.

عين الخطأ عن المفهوم: خارج ۱۴۰۰

- (۱) الصّحفيّ: من يقرأ الصّحيفة اليوميّة دائماً!
 (۲) المصحف: يُقال لكتاب كُتب فيه كلام خاص!
 (۳) الصّحيفة: مجموعة من الأوراق التي تنتشر يومياً!
 (۴) الصّحف: فيها أخبار متعدّدة و غيرها حسب سياسة الصحيفة!

عين الصحيح: خارج ۹۹

- (۱) الكتاب: بستان العالم يأخذ منه ثمرات مختلفة!
 (۲) الحاجّ: يقصده الحجاج في كل عام لعبادة الله!
 (۳) الصّحفيّ: من يقرأ الصّحيفة اليوميّة كل يوم صباحاً أو مساءً!
 (۴) الشّرف: نوع من القماش نستخدمه لتجفيف الوجه بعد غسله!

عين الصحيح: انساني خارج ۹۹

- (۱) الشّرف: قطعة قماش، بعض النساء يلبسنه!
 (۲) الصّداغ: وجع في الأنف تختلف أنواعه و أسبابه!
 (۳) أنبوب: النّفط يصعد بواسطته من أعماق البئر إلى سطح الأرض!
 (۴) الجوز: ثمرة قشرها صلب و نتناولها مع الجبنة دون أن نكسرهما!

عين الخطأ: خارج ۹۸

ماي درس

گروه آموزشی عصر

www.my-dars.ir

۱) (الکتاب: المفکّر رون الذین یؤلفون الکتب!

۲) (الوعاء: لا یصنع إلا من خشب شجرة الجوز!

۳) (القمة: رأس الجبل المرتفع الذي نصدع إليه بصعوبة!

۴) (الخيمة: غرفة تُصنع من القماش الخاص بأبعاد مختلفة!

«... البضائع ... فالتاس طلبوا من الحكومة أن ...!». عین المناسب للفراغات: تجرّبی ۹۸

۱) (قيمة / یزداد / تُقلّلهَا / ثمن / کثرت / تُمرّرها ۲) (أسعار / ارتفعت / تُخفّفها ۳) (نقود / یرتفع / تُمنّعها ۴)

عین ما لیس فیہ الحصر: هنر ۱۴۰۰

۱) لا تزیّد التجارب فی الحیاة إلا معرفتنا بالأمر!

۲) (لا یُعجبني أحدٌ إلا المهاجم الذي یسجّل الهدف!

۳) (لا یستطیع صعود هذا الجبل المرتفع إلا الأشخاص الأقویاء!

۴) (لا تبّلع سمكة السهم إلا الحشرة التي تسقط علی سطح الماء!

عین ما فیہ الحصر: تجرّبی ۱۴۰۰

۱) (لا یقدر أحدٌ صعود الجبل المرتفع إلا الإنسان القوی!

۲) (ما نال هذا الشاعر الجوائز بعد إنشاده إلا جائزة ثمينة!

۳) (لا تُنقلُ إلى موقف تصلیح السیارات إلا سبارة معطلة!

۴) (لا نشترى الفاكهة الیوم إلا نوعاً واحداً منها و هو التفاح!

عین أسلوب الاستثناء معناه الحصر: خارج ۱۴۰۰

۱) (ما اشترى والدي شيئاً من المتجر الكبير إلا نوعاً من الفاكهة!

۲) (ما أعانني أحدٌ فی مشاكل الحیاة إلا الله الذي خلّقني فیرحمني دائماً!

۳) (ما شكر أكثر الناس نعمة الله علیهم إلا الذین یعرفون أنّها من جانبه!

۴) (ما استطاع أن یذهب إلى الحجّ هذا العام إلا الحجّاج الذین كانوا مستطیعین!

عین ما فیہ الحصر (فی المعنی): اختصاصی ۱۴۰۰

۱) (لا یحسنُ إلینا أحدٌ إلا الذي یحسنُ إليه!

۲) (لا تأکلُ البوماتُ فی المزرعة غذاءً إلا الفئران!

۳) (لا تُسببُ الأمطارُ الحمضيةُ إلا التلوّثُ فی الهواء!

۴) (لا یرى المتشائمُ شيئاً فی كلّ فرصةٍ إلا الصّعوبة!

عین أسلوب الاستثناء معناه الحصر: اختصاصی خارج ۱۴۰۰

۱) (ما اهتمّ هذا الفیزیائی فی كشف هذه المادّة بالآخرین إلا عالماً واحداً!

۲) (لم تُضعفُ المشاکلُ عزمَ التلمیذ فی أداء جميع واجباته إلا الأخير!

۳) (لا یمنحُ المحسنُ ثروته لکّل من یُدعی أنّه یحتاج إليها إلا أسرته!

www.my-dars.ir

گروه آموزشی عصر

www.my-dars.ir

۴ (لم یکن هدف نوبل من اختراع الدینامیت إلا الإعمار و البناء!

عین ما لیس فیہ مفهوم الحصر: ریاضی ۹۹

۱ (لا نأخذ إلى موقف التصليح إلا السيارة المعطلة!

۲ (لا یستر الناس إلا ما یخافون من عواقب جهره!

۳ (یتناول هذا المریض أنواع الفواكه إلا التفاح!

۴ (لم تكن السلامة إلا بالذهن السليم!

عین المستثنى و المستثنى منه اسمی مکان: اختصاصی ۹۹

۱ (وجدت مصادر جميع الكتب في المكتبة إلا مصدر هذا الكتاب!

۲ (بنى المهندسون عُرفاً متعددة في هذه المدرسة إلا مخزناً للكتب!

۳ (سافر السیاح إلى كل المناطق في البلاد الأخرى إلا منطقة في الشرق!

۴ (وصلنا إلى المطار متأخرين لأن الشوارع كانت مزدحمة إلا الشارع الأخير!

عین ما لم یذكر في المستثنى منه: اختصاصی ۹۹

۱ (تحافظ طالبات مدرستنا على النظم إلا واحدة منهن!

۲ (لم یحضر أصدقاؤی في الحفل إلا ثلاثة منهم!

۳ (لا یریبی أبی في مزرعته إلا الطيور الأهلية!

۴ (یهتم مواطنونا بنظافة البيئة إلا قليلاً منهم!

عین ما فیہ «الحصر»: تجربی ۹۸

۱ (لم نشاهد الأفلام من التلفاز إلا ما یفیدنا منها!

۲ (ما صعدنا إلى الجبال المرتفعة إلا الأقویاء منا!

۳ (ما أتذكر من أيام طفولتی إلا قصص أبی الجميلة!

۴ (لم تبلع الأسماك صغارها في هذا الفلم إلا سمكة واحدة!

عین المستثنى یختلف: خارج ۹۸

۱ (لا تساقط من أعیننا إلا دموع الفرح!

۲ (لا یحملنا الله شیئاً إلا ما لنا طاقة به!

۳ (كان الناس یمشون بسرعة إلا من في رجله أم!

۴ (ذکریاتی من أيام سفري كلها جميلة إلا واحدة منها!

عین ما لیس فیہ «الحصر»: زبان ۹۸

۱ (لا یبین الصراط المستقیم و الدین الحق إلا الرسل المبشرون!

۲ (ما أقام الوجهة للدين حنیفاً إلا من لا یكونن من المشركين!

مای درس

کروه آموزشی عصر

www.my-dars.ir

۳) ما حمل الفأس لكسر الأصنام إلا من اطمأن بعمله!

۴) لا يتعلم الدرس أحد إلا الذي كان من المستمعين!

عین المستثنی منه محذوفاً: انسانی خارج ۹۸

۱) لا يغير عقل الإنسان في حياته شيء إلا العلوم النافعة!

۲) لم يخلق الله في الطبيعة إلا كل ما مفيد لجميع الكائنات!

۳) لا نقندي بأحد ليكون لنا أسوة مناسبة إلا بالإنسان الكامل!

۴) لا يحافظ أكثر الناس على صحتهم في الحياة إلا قليلاً منهم!



درس ۴

«قد تؤثر كلمات من شخص أو من كتاب في أنفسنا تأثيراً عميقاً يظهر في أفكارنا و آرائنا!»: خارج ۱۴۰۰

۱) کلماتی از شخصی یا از کتابی بر وجود ما عمیقاً تأثیر می گذارد و در اندیشه و آراء ما ظاهر می شود!

۲) قطعاً کلماتی از شخصی یا کتابی در دروهمان تأثیر ژرفی می گذارد که افکار و آراء ما آن را آشکار می کند!

۳) گاهی کلماتی از شخصی یا کتابی در درون ما چنان تأثیر عمیقی می گذارد که در افکار و نظرات ما ظاهر میشود!

۴) گاه کلمات شخص یا کتابی در وجودمان چنان تأثیر ژرفی برجا می گذارد که اندیشه ها و نظریاتمان آن را نمایان می سازد!

«كان المزارع يراقب أمورَ المزرعة مراقبةً ولكنَّ البوماتِ كانت تتغذى على الأفراخ، وهذه سنة الطبيعة!»: اختصاصی ۱۴۰۰

۱) کشاورز مراقب امور مزرعه بود ولی تغذیه جغدها از جوجه ها انجام می گرفت، و این قانون طبیعت بود!

۲) مزرعه دار امور مزرعه را نهبانی می کرد اما جغدها جوجه ها را خورده بودند، و این سنت طبیعت بود!

۳) مزرعه دار از کارهای مزرعه با دقت مراقبت می کرد ولی جغدها جوجه ها را خورده بودند، و این قانون طبیعت است!

۴) کشاورز کارهای مزرعه را بی گمان مراقبت می کرد ولی جغدها از جوجه ها تغذیه می کردند، و این سنت طبیعت است!

«لا فرق بين القط الأسود و القط الأبيض، القط يجب أن يقدر أن يصيد الفأر صيدا ليشبع بطنه!»: خارج انسانی ۱۴۰۰

۱) هیچ فرقی بین گربه سیاه و گربه سفید نیست، گربه باید بتواند حتماً موش بگیرد تا شکمش را سیر کند!

۲) فرقی بین گربه سفید و گربه سیاه اصلاً نیست. چه گربه باید قادر باشد موش بگیرد تا شکمش سیر شود!

۳) اصلاً فرقی بین گربه ای که سیاه باشد و گربه ای که سفید باشد وجود ندارد، حتماً گربه باید قادر باشد موشی بگیرد تا شکمش را سیر کند!

۴) فرقی بین گربه که سیاه باشد یا سفید باشد وجود ندارد، قطعاً گربه باید بتواند موشی بگیرد تا شکمش سیر شود!

«لعلَّ مرحلةً من مراحل البخل هي أن تُعدَّ ما تُنفقه خسارةً و لا تُرضى به رضايَةً في نفسك!»: خارج انسانی ۱۴۰۰

۱) شاید یک مرحله از مراحل بخل آن است که خسارت شمرده شود چیزی که اتفاق می‌شود و در درونت به آن راضی نشوی!

۲) شاید از مراحل بخل این مرحله باشد که آنچه اتفاق شود خسارت شمرده شود و در باطنت به آن کاملاً راضی نباشی!

۳) شاید مرحله ای از مراحل بخل این است که خسارت بشمری چیزی را که انقارش کرده‌ای و در باطنت به آن رضایت نداده‌ای!

۴) شاید مرحله ای از مراحل بخل آن باشد که آنچه را اتفاق می‌کشد خسارت به شمار آوری و در درونت کاملاً به آن راضی نباشی!

«إن يبخل أحدٌ في تعليم علمه إليك فلا يحزنك حزناً، لأنَّه يضرُّ نفسه ضرراً أهدَّ من ضررك!»: اختصاصی خارج ۱۴۰۰

۱) اگر کسی در یاد دادن علمش به تو بخل ورزید پس نباید که ناراحتت کند، زیرا مسلماً زیانی که به خودش می‌زند از زیان تو بیشتر است!

۲) کسی اگر در آموختن علمش به تو بخیل شد پس نباید غمگین شوی، زیرا ضرری را که به خود می‌زند قطعاً بیشتر از تو است!

۳) کسی چنانچه در آموختن علمش به تو بخیل باشد، اصلاً نباید غمگین بشوی، زیرا مسلماً ضرری بیشتر از ضرر تو به خود می‌زند!

۴) اگر کسی در یاد دادن علمش به تو بخل بورزده قطعاً نباید تو را ناراحت کند، زیرا او ضرری بیشتر از ضرر تو به خودش می‌زند!

«كاد المعلمُ يبدأ تدریسه إذ دخل الصفُّ أحدُ الطَّلابِ و قطع كلامَ المعلمِ و هو حَجَلٌ من تأخَّره!»: زبان ۹۹

۱) معلمی تدریسش را شروع می‌کرد که یکی از دانش آموزان با شرمندگی از تأخیر خود، وارد کلاس شد و سخن معلم را برید.

۲) نزدیک بود معلم درس خویش را آغاز کند که دانش آموزی ناگهان داخل کلاس شد و کلام معلم را با خجالت از دیرکردنش قطع نمود!

۳) نزدیک بود معلم درس خود را آغاز نماید زمانی که یک دانش آموز به کلاس داخل شد و سخن معلم را برید و او از تأخیر خویش شرمنده شد!

۴) معلم تدریس خود را داشت شروع می‌کرد، که ناگهان یکی از دانش‌آموزان وارد کلاس شد و در حالی که از تأخیر خود شرمنده بود سخن معلم را قطع کرد!

«يُقبل السُّبابُ على مَنْ له أفكارٌ عميقةٌ و حديثُهُ إقبالاً، و يرغبون في مَنْ يعملُ بما يقولُ رغبةً كثيرةً!»: خارج ۹۹

۱) جوانان آن‌کس را که فکر ژرف و تازه دارد بسیار می‌پذیرند، و آن‌را که به آنچه می‌گوید عمل می‌کند، قطعاً دوست دارند!

۲) به یقین جوانان کسی را که دارای فکر عمیق و نو است می‌پذیرند، و کسی را که عامل به هر چیزی باشد که می‌گوید دوست دارند!

۳) جوانان قطعاً به کسی که افکار عمیق و جدیدی دارد روی می‌آورند و به کسی بسیار علاقمند می‌شوند که به چیزی که می‌گویند عمل کند!

۴) همیشه جوانان به کسی که افکاری ژرف و جدید دارد روی می‌آورند، و به آن‌کس بسیار علاقمند می‌شوند که عمل‌کننده به آن چیزی باشد

که می‌گوید!

www.my-dars.ir

«إنَّ الهمس الَّذي يمنعك عن التعلُّم في الصَّفِّ، يضرُّك ضرراً لا تتنبَّه إليه إلا في نهاية السَّنة!»: ریاضی ۹۹

۱) آهسته سخن‌گفتنی که تو را از آموزش در کلاس بازدارد، کاملاً به تو ضرری می‌زند که متوجه آن نمی‌شوی مگر در پایان سال!

۲) در کلاس درگوشی سخن‌گفتن، تو را از آموختنی بازمی‌دارد که به تو قطعاً ضرر می‌زند و متوجه آن نمی‌شوی مگر در پایان سال!

۳) آهسته سخن‌گفتن در کلاس، تو را از یادگیری بازمی‌دارد و به تو ضرر می‌زند به‌گون‌های که فقط در پایان سال متوجهش می‌شوی!

۴) پیچ کردنی که تو را از آموختن در کلاس بازدارد، به تو ضرری می‌زند که فقط در پایان سال متوجه آن می‌شوی!

«كم شخصاً نعرف أنَّهم يعملون بما يقولون، فيؤثرون علينا تأثيراً عميقاً لا نجد مثله في الآخرين!»: تجربی ۹۹

۱) چند شخص را می‌شناسیم که می‌گویند چیزی را که بدان عمل می‌کنند، پس بر ما تأثیر عمیقی می‌گذارند که همانند آن را در دیگران نمی‌یافتیم؟!

۲) چند شخص را شناخته‌ایم که به چیزی که می‌گویند عمل می‌کنند، و بر ما آنچنان تأثیری دارند که در دیگران مثل آن را نیافته‌ایم؟!

۳) چند نفر را می‌شناسیم که آن‌ها چیزی می‌گویند که عمل می‌کنند، و بر ما آنچنان اثری دارند که در افراد دیگر همانندش را نمی‌یابیم؟!

۴) چند نفر را می‌شناسیم که به آنچه می‌گویند عمل می‌کنند، پس بر ما تأثیر عمیقی می‌گذارند که در دیگران مثل آن را نمی‌یابیم؟

«هذا المعلم قد قام بتشكيل فريقين يجتهد ليعبوهما فحينئذ أيام من الأسبوع إجتهد!!»: ابن معلّم تجربی ۹۹

۱) با خوشحالی به تشکیل دو گروهی اقدام نموده که بازیکنان آن‌ها شش روز از هفته را بسیار تلاش می‌کنند!

۲) با شادی به شکل‌دادن دو گروه که بازیکنان آن‌ها شش روز هفته را به سختی تلاش می‌کنند، اقدام می‌نماید!

۳) اقدام به تشکیل دو تیم کرده است که بدون شک بازیکنانشان در شش روز از هفته با خوشحالی تلاش می‌کنند!

۴) اقدام به شکل‌دادن تیم‌هایی کرده که بازیکنانشان با شادی، شش روز هفته را تلاش فراوان می‌نمایند!

«تبادل المفردات بين اللغات يؤثر عليها تأثيرا يجعلها غنية في الأسلوب و البيان!»: انسانی ۹۹

۱) عوض کردن واژگان بین زبان‌ها بسیار اثرگذار است به گونه‌ای که آن‌ها را در اسلوب و بیان بی‌نیاز می‌سازد!

۲) در میان زبان‌ها عوض کردن واژه‌ها چنان تأثیری بر آن‌ها می‌گذارد که آن‌ها را در اسلوب و بیان غنی می‌سازد!

۳) در میان زبان‌ها جابه‌جایی کلمات است که بر آن‌ها اثر می‌کند و آن‌ها را در اسلوب و بیان پُرتر می‌گرداند!

۴) تبادل کلمات بین زبان‌ها به گونه‌ای بر آن‌ها اثر می‌گذارد که آن‌ها را در اسلوب و بیان غنی می‌گرداند!

«كان طالب مؤدّب في الصف، يستمع الطالب قبل أن يجيب عن الأسئلة استماعاً»: اختصاصی خارج ۹۹

۱) آن دانش آموز مؤدّب که در کلاس است، قبل از پاسخ دادن به سؤالات، بدقت گوش می‌دهد!

۲) آن دانش آموز مؤدّب که در کلاس حضور دارد، قبل از جواب دادن به سؤالات با خوبی گوش می‌دهد!

۳) دانش آموز مؤدّب در کلاس بود، این دانش‌آموز قبل از آنکه به سؤالات جواب دهد حتماً گوش می‌داد!

۴) دانش آموز مؤدّب در کلاس حضور داشت، این دانش‌آموز قبل از اینکه به سؤالات پاسخ دهد گوش می‌داد!

«هذان النوعان من السمك كلّ منهما يعيش عيشة تُعجبنا!»: خارج انسانی ۹۸

۱) این دو نوع ماهی، هریک از آنها به گونه‌ای زندگی می‌کنند که ما را متعجب می‌کند!

۲) این دو نوع از ماهیان، با یکدیگر طوری زندگی می‌کنند که ما را به شگفتی وا می‌دارد!

۳) اینها، دو نوع از ماهیان هستند که هریک از آنها زندگی‌ای می‌کند که تعجب ما را برمی‌انگیزد!

۴) اینان دونوع ماهی هستند که زندگی هریک از آن دو به گونه‌ایست که ما را به تحسین وا می‌دارد!

عین الصحیح: خارج ۱۴۰۰

۱) (كاد أخي يبكي بكاءً لأنّ له أماً شديداً: برادرم نزدیک است از درد شدیدی که دارد، گریه کند!

۲) (طوبى لمن لا يحدث عمّا فيه احتمال الكذب: خوشا به حال آنان که از هر چه احتمال دروغ دارد، سخن نگویند!

۳) (من لا يستخدم الوقت جيداً هو أول من يشكو من قلته: کسی که از وقت بخوبی استفاده نمی‌کند اولین کسی است که از کمی آن شکایت

می‌کند!

۴ (العلماء من يَبرون عقولَ النَّاسِ بالعلومِ النافعة: دانشمندان همان کسانی هستند که بوسیله علوم سودمند خود مردم را دارای عقل نورانی می کنند!

عین الصحیح: خارج انسانی ۹۸

- ۱ (إن تجلسوا في الصّف هادئين: اگر آرام در کلاس بنشینید،
- ۲ (و تستمعوا إلى كلامي استماعاً: و سخنانم را به خوبی بشنوید،
- ۳ (سأقرأ لكم بعض الآيات: بعضی آیات را برایتان می خوانم،
- ۴ (لا تأخذون منها إلا العبرة المؤثرة!): که از آنها عبرتهای تأثیرگذار می گیرید!

عین الصحیح: انسانی ۹۹

- ۱ (قد يذكر الإنسان ذكرياته القديمة و يفرح بها: قطعاً انسان خاطرات قدیمی خود را به یاد می آورد و با آنها خوشحال می شود!
- ۲ (لا يتردّد الوالد في شراء ما تحتاج إليه أسرته: پدر در خریدن آنچه که خانواده اش به آن نیاز داشت، تردیدی نکرده است!
- ۳ (هؤلاء كانوا يُعاملون الآخرين معاملةً حسنة دائماً: اینان همواره نسبت به دیگران به خوبی رفتار می کنند!
- ۴ (ليت هذه التلميذة تُحبّ الدّراسة في تلك المدرسة: کاش این دانش آموز تحصیل در آن مدرسه را دوست بدارد!

عین الخطأ: ریاضی ۹۹

- ۱ (تُعيني المعلمة في الدّروس الصّعبة إعانة: معلّم مرا در درسهای مشکل بدون شک یاری می کند!
- ۲ (إن العلوم النّافعة تُتبرّ عقل الإنسان و قلبه: قطعاً علوم سودمند عقل انسان و قلبش را روشن می کند!
- ۳ (سيملاً لله جميع نواحي الأرض سلاماً شاملاً: خداوند همهء نواحی زمین را از صلحی فراگیر پر خواهد کرد!
- ۴ (ربّنا هو الذي يحميننا من شرور الحادّثات دائماً: خدای ما کسی است که در پیشامدهای بد همواره نگهدار ماست!

عین الخطأ: زبان ۹۸

- ۱ (رغبت في الصّدق رغبةً كثيرة: تو به صداقت، بسیار تمایل پیدا کردی!
- ۲ (يُجاهد المؤمن في الله مجاهدةً: مؤمن (و نه کس دیگر) حتماً در راه خدا تلاش می کند!
- ۳ (يتوكّل صديقي على ربّه توکّل المؤمنین: دوستم بر پروردگارش توکّل می کند همچون توکّل مؤمنان!
- ۴ (يبلغ المجتهد أماله بلوغاً، و أنا كلّ يوم أهنّاه: انسان کوشا به آرزوهایش حتماً می رسد و من هر روز آرزوی آن را دارم!

عین الخطأ: تجربی ۹۸

- ۱ (لا يقدر المتكبر الجبار أن يزرع بذر الحكمة في قلبه: یک خود بزرگ بین ستمگر نمی تواند بذر حکمتی در قلب بکارد،
- ۲ (لأنّ هذا القلب يبيّن من الصّخور، ولكن هذا الحكمة: زیرا این قلب از صخرهها ساخته می شود، لیکن این حکمت،
- ۳ (تبت في قلب المتواضع و تعمّر فيه مدّة طويلة: در قلب شخص فروتن می روید و در آن مدّتی طولانی ماندگار می شود،
- ۴ (كأنّ التّواضع قرينُ العقل و التّكبر دليلُ الجهل: گویی که تواضع همنشین عقل است و تکبر نشانه جهل!

«مادر برای تربیت فرزندانش بسیار تلاش می کند.» عین الصحیح: هنر ۱۴۰۰

- ۱ (تجتهد الأم لتربية أولادها اجتهاداً بالغاً!
- ۲ (تُحاول أمنا في تربية الأولاد اجتهاداً!
- ۳ (تجتهد أمنا لتربية أولادها اجتهاداً كثيراً!

۴ (تحاول هذه الأم في تربية أولادها كثيراً!)

«رَبِّمَا تَسْتَطِيعُ أَنْ تَمْلِكَ كُلَّ مَا تُرِيدُ، وَ أَنْتَ ظَالِمٌ، وَلَكِنْ عِنْدَمَا يَدْعُو عَلَيْكَ مَظْلُومٌ، تَفْقَدُ كُلَّ مَا مَلَكَتَ فَقْدَانًا أَبَدِيًّا!»: عَيْنُ الصَّحِيحِ: اختصاصی ۹۹
..... بتوانی هرچه را بخواهی مالک شوی ولی وقتی که یک مظلوم تو را نفرین کند همه آنچه را به دست آورده‌ای از دست می‌دهی!

۱ (شاید / با ستمکار بودن / مطمئناً)

۲ (چه بسا / درحالی که ستمکاری / تا ابد)

۳ (شاید / حال آنکه ظالمی / تا زمانی)

۴ (چه بسا / با ستمکار بودن / مطمئناً)

عَيْنُ الصَّحِيحِ لِلتَّوْضِيحَاتِ التَّالِيَةِ: ریاضی ۹۸

۱ (إن لم تُمَطِّرِ السَّمَاءَ فَنُوجَاهُ ... = (الجاف))

۲ (مكانٌ جَعَلَ الأقدامُ هو ... = (الوطأة))

۳ (... هو الجزء الَّذِي نَأْكُلُهُ مِنَ الفاكهة = (النَّوِي))

۴ (... يقف في الشَّارِعِ لرعاية المُرور = (الشرطة))

عَيْنُ مَا لَيْسَ فِيهِ المَفْعُولُ المَطْلُوقُ: ریاضی ۱۴۰۰

۱ (إن أكرمت الكريم اكراماً بالغاً تشاهد نتيجه!)

۲ (أدب المؤمن نفسه قبل تعليم غيره تأديباً جميلاً!)

۳ (كان عَشٌّ بعض الطيور بعيداً كثيراً عن المفترسين!)

۴ (رغب المسافرون أن يسكنوا في ذلك المكان رغبةً كثيرةً!)

عَيْنُ مَا فِيهِ المَفْعُولُ المَطْلُوقُ النَّوْعِي: خارج ۱۴۰۰

۱ (مدح الشاعر الجنَّةَ مدحاً جيداً و نال جائزة!)

۲ (رأيتُ حادثاً جديداً في مدينتنا عندما كنتُ أمشي هناك!)

۳ (لا تَعمر حكمةً بالغةً عمراً إلا في قلب الإنسان المتواضع!)

۴ (شاهدت سمكاً عجيباً يعيش في الغلاف دون الماء و الطعام!)

عَيْنُ مَا فِيهِ تَأْكِيدٌ لِلْفِعْلِ: اختصاصی ۹۹

۱ (يَشَاهِدُ العَجَبَ بَيْنَ النَّاسِ مَشَاهِدَةٌ كَثِيرَةٌ،)

۲ (و هذا حينما يعمل العبدُ المسلمُ عملاً يُعجبه،)

۳ (أو يقوم بعمل سيِّئٍ، و يريه إزاءً جميلةً،)

۴ (و الأفضل أن يؤمن بربه و يفتخر افتخاراً بذلك!)

عَيْنُ مَا فِيهِ تَأْكِيدٌ لِلْفِعْلِ: اختصاصی ۹۹

۱ (لا غايه هناك إلا أن نحصل عليها حصولاً كاملاً بالشوق و الرغبة!)

۲ (يجب أن نعمل واجبنا بالرغبة للوصول إلى الهدف عمل الدووبين!)

مای درس

آموزشی عصر

www.my-dars.ir

۳ (أرغب في أقوى الوسائل التي أوصلتني إلى النجاح رغبة كثيرة!

۴ (الرغبة في العمل تحتاج إلى نفس قوية احتياجاً فعليك بها!

عين المصدر لا يبين نوع الفعل: رياضی ۹۸

۱) يا أصدقاء أوفوا بعهدكم وفاء جميلاً!

۲) شجعنا أصدقاءنا في المسابقة تشجيعاً كثيراً!

۳) إن كنت تلميذاً عاقلاً فلا تُضيع أوقاتك تضييعاً!

۴) إن العطار يشم رائحة المسك شماً دقيقاً و يعرفه!

عين ما فيه تأكيد الفعل: اختصاص داخل ۹۸

۱) خيرنا ربنا باختيار الأعمال من الخير و الشر!

۲) قبل الأب العادل أولاد ه و هم يقبلون إليه!

۳) يقضم الجراد الأوراق في فمه دائماً و سريعاً!

۴) لا نريد أن نعصي الله في أعمالنا عصيانياً!

عين ما ليس فيه المفعول المطلق: انسانی خارج ۹۸

۱) أعطى الملك الفلاح إعطاءً يعجبه!

۲) يصدق قول الصادق دائماً تصديقاً جميلاً!

۳) تحضن الأم طفلتها في حضنها محبةً لها!

۴) غرس الفلاح فسيلة جوز غرساً لا يأمل أكله!

عين الصحيح في المقصود من العبارة التالية: «يكاد يكون زميلي شاعراً عظيماً!» اختصاصی خارج ۹۸

۱) هو الآن كذلك شاعر عظيم!

۲) إمكانية حصول الشاعرية صعب جداً!

۳) هو عن قريب يصبح شاعراً عظيماً!

۴) يريد أن يصبح شاعراً لكنه لا يستطيع!

مای درس

گروه آموزشی عصر

www.my-dars.ir